

الگوی تبیین خط مشی‌های محیط زیستی

علی‌رضا علوی تبار*، عضو هیأت علمی دانشگاه محیط زیست، کرج، ایران.
مجید کردرستمی، عضو هیأت علمی دانشگاه محیط زیست، کرج، ایران.

E-mail*: alireza.alavi.t@gmail.com

دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۱۱ - پذیرش: ۱۳۹۴/۰۲/۱۰

چکیده

پژوهش حاضر برای ارایه یک "الگوی تبیینی" در مورد خط مشی‌های عمومی وضع شده در زمینه محیط زیست است. در این مطالعه تلاش شده است تا با ترکیب رهیافت‌های "حکومت محور" و رهیافت‌های "جامعه محور" به نگاهی تلفیقی و تا حد ممکن جامع، دست یافته و آن را مبنایی برای پیشنهاد یک الگوی تبیینی قرار دهد. در نهایت الگوی پیشنهادی با ده متغیر مستقل، سه متغیر تعدیل‌کننده و یک متغیر وابسته ارایه می‌گردد. این الگو می‌تواند مبنایی برای ارایه فرضیه‌های آزمون پذیر برای تبیین خط مشی‌های خاص محیط زیستی باشد.

واژه‌های کلیدی: خط مشی، خط مشی‌گذاری، الگو، تبیین، جامعه محور، حکومت محور، زیست بوم و اداره امور عمومی.

۱- مقدمه

جمعی که نمی‌توان آن را به‌طور انفرادی به‌خوبی انجام داد (شفریتز، ۱۳۸۸).

اداره امور عمومی از طریق "خط مشی‌گذاری عمومی"^۱ صورت می‌پذیرد. دولت‌ها از طریق خط مشی‌های عمومی تصمیم می‌گیرند در مورد یک موضوع خاص کاری انجام دهند یا ندهند. جوامع مدرن توسط خط مشی‌های عمومی اداره می‌شوند. خط مشی‌های عمومی برای تصمیم‌گیری و اقدام‌های فردی هم محدودیت ایجاد می‌کنند و هم امکان و ظرفیت می‌آفرینند. شناخت خط مشی‌های عمومی و درک چرایی و چگونگی شکل‌گیری آنها به ما این امکان را می‌دهد که در چارچوب محدودیت‌ها و امکان‌هایی که ایجاد می‌کنند بهتر و موثرتر تصمیم گرفته و انتخاب کرد.

راز زدایی و ابهام زدایی از خط مشی‌های جاری در هر حوزه‌ای پرده از صورت نفع‌برندگان واقعی آنها برمی‌دارد و از این طریق آنچه را که می‌توان برای بهبود بخشیدن به آنها انجام داد روشن می‌کنند.

این نوشتار تلاشی است برای درک عمیق‌تر آنچه به

مسائل مربوط به محیط زیست را نمی‌توان از طریق تصمیم‌گیری فردی و توافق آزادانه افراد ذینفع حل کرد. اغلب مسائل محیط زیستی در محدوده‌هایی قرار می‌گیرند که در متون اقتصادی از آنها به‌عنوان موارد "درماندگی بازار"^۱ یاد می‌شود. درماندگی بازار به مواردی اطلاق می‌شود که در آنها اگر افراد بر اساس ترجیحات شخصی خود تصمیم گرفته و بخواهند برای تحقق خواسته‌های خویش با دیگران به توافق برسند، یا موقعیتی برای چانه زنی و دستیابی به توافق پیدا نمی‌کنند و یا در صورت یافتن چنین موقعیتی (بازار) و دستیابی به توافق، نتیجه به دست آمده مطلوب نخواهد بود (لیلارد و والترز، ۱۳۷۷). از این رو دخالت دولت در حل و فصل مسائل محیط زیستی ضروری است. اگرچه می‌توان در مورد چگونگی آن اختلاف نظر داشت و روش‌های گوناگونی برای آن پیشنهاد کرد. ضرورت ایفای نقش دولت در حل و فصل مسائل محیط زیستی، این مسائل را در حوزه "اداره امور عمومی"^۲ قرار می‌دهد. اداره امور عمومی تلاشی است برای انجام کار

، مرحله سوم: شکل گیری، تهیه و تدوین خط مشی، مرحله چهارم: قانونی کردن و حقانیت بخشی به خط مشی، مرحله پنجم: ابلاغ و اجرای خط مشی، مرحله ششم: ارزیابی خط مشی.

ب - تبیین^۱: مقصود از تبیین چیست؟ تبیین پدیده یا مجموعه داده‌های X، به بیان کلی عبارت است از فهم X و کشف چرایی تحقق آن. به بیان دیگر، وقتی که با پدیده یا مجموعه‌ای از داده‌های معین روبرو شویم، می‌کوشیم تا از آن پدیده یا مجموعه فهمی به دست آوریم و دریابیم که چرا آن پدیده یا مجموعه چنان است که هست. در این حالت ما به دنبال تبیین آن پدیده یا مجموعه هستیم (نراقی، ۱۳۸۷). برای تبیین هر پدیده یا هر مجموعه از داده‌ها الگوهای مختلفی پیشنهاد شده است که می‌توان آنها را بر حسب نوع پدیده‌ها و یا داده‌های مورد بررسی مورد استفاده قرار داد (لیتل، ۱۳۷۳).

پ - الگو^۱: الگو نمایش ساده شده‌ای است از واقعیت (طه، ۱۳۶۶). واقعیتی که در مورد آن الگوسازی می‌شود ممکن است از پیش موجود باشد، یا هنوز به صورت ذهنی بوده و به مرحله اجرا در نیامده باشد. در حالت اول، هدف الگو تحلیل رفتار سیستم به منظور بهبود عملکرد آن است. در حالت دوم، هدف الگو عبارت از تعیین "بهترین" ساختار برای سیستم آینده است (طه، ۱۳۶۶) الگوسازی به طور معمول با اهدافی چون: توصیف رفتارها، ساختن نظریه‌هایی برای تبیین رفتارهای مشاهده شده، پیش بینی آینده رفتارها و تغییر روش عملکرد سیستم صورت می‌گیرد.

ت - محیط زیست: با توجه به اینکه حساسیت اغلب انسان‌ها نسبت به محیط زیست به نوعی با انسان محوری همراه است، محیط زیست را می‌تواند در قالب الگوی زیست بوم و به شکل ۱ نشان داد (زاهدی، ۱۳۸۶). با توجه به توضیحات از قبل گفته شده اینک می‌توان از هدف محوری این مقاله صورتبندی روشن‌تری ارائه کرد. مجموعه‌ای از خط مشی‌های محیط زیستی (شامل اقدام و عدم اقدام) در برابر ما قرار دارند، در مورد چرایی و

عنوان خط مشی‌های محیط زیستی شناخته می‌شود. تلاشی که اگر موفق شود هم به فهم وضع موجود کمک می‌کند و هم مسیر بهبود بخشیدن به آن را مشخص می‌سازد. کوشش خواهد شد تا با فراهم آوردن مقدمات منطقی لازم در نهایت "الگویی برای تبیین خط مشی‌های محیط زیستی" ارائه گردد. به این امید که در پرتو نقد مخاطبین در آینده تکمیل شود.

۲- مفاهیم اصلی

توضیح مختصر برخی از مفاهیم محدوده بحث را مشخص تر و دقت در ارائه مباحث را افزایش می‌دهد.

الف - خط مشی^۲: در معنای عام، به هرگونه راهکار، روش و مشی برای اداره یا بهکرد هر امری از امور، چه شخصی چه اجتماعی دلالت می‌کند (آشوری، ۱۳۷۰). هرگاه بحث مربوط به اقدامات دولت و حکومت باشد از اصطلاح "خط مشی عمومی"^۳ استفاده می‌شود. خط مشی‌های عمومی عبارتند از "قواعد و رهنمودهای کلی که توسط مراجع ذیصلاح در یک کشور وضع شده و جهت‌گیری‌های کلی اقدامها و فعالیت‌های بخش عمومی را تعیین نموده و از این طریق موسسات عمومی را هدایت می‌کنند" (Deror, 1968). این تعریف وجود گذشت زمان هنوز کم و بیش از اعتبار و کاربرد برخوردار است.

خط مشی نتیجه و محصول یک فرآیند است. فرآیندی را که حاصل آن یک "خط مشی" است، "خط مشی گذاری"^۴ می‌نامند. برخی از منابع این فرآیند را شامل سه گام اساسی می‌دانند (Nakamura and Smallwood, 1980): شکل گیری خط مشی^۵، اجرای خط مشی^۶ و ارزیابی خط مشی^۷. البته لازم به ذکر است که منابع دیگری این مرحله بندی را با تفصیل بیشتری توضیح داده و آن را تا شش مرحله گسترش می‌دهند (الوانی و شریف زاده، ۱۳۷۹: ۱۱).

مرحله اول: شناخت، درک و بیان مسئله (مشکل)، مرحله دوم: ارجاع و طرح مسئله در سازمان‌ها و مؤسسات دولتی

"انتظارات"، "نیازها"، "منابع" و "حمایت‌ها" طبقه بندی می‌کند (الوانی و شریف زاده، ۱۳۷۹).

در مورد خرده سیستم‌های سازنده این سیستم نیز ناکامورا و اسمال وود در یک بررسی انتقادی سه خرده سیستم را از یکدیگر تفکیک می‌کنند: خرده سیستم شکل‌گیری خط مشی، خرده سیستم اجرای خط مشی و خرده سیستم ارزیابی خط مشی (Nakamura and Smallwood, 1980)، فرآیند درونی این سیستم نیز قبلاً مورد اشاره قرار گرفت. با توجه به این توضیحات می‌توان الگوی سیستمی خط مشی گذاری عمومی را در قالب شکل ۲ نشان داد.

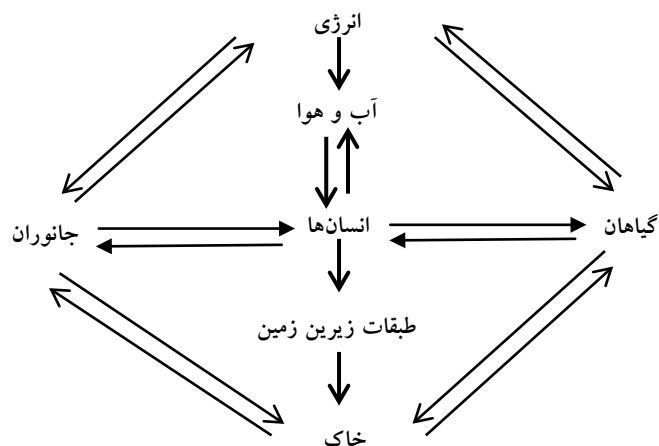
الگوی سیستمی خط مشی گذاری عمومی، اگرچه تصویر کلی از خط مشی گذاری عمومی به ما می‌دهد، اما مشخص نمی‌کند که ورودی‌های سیستم از کجا آمده و به سیستم تزریق می‌شوند. به علاوه ساختار درونی سیستم نیز باید تبیین گردد: چرا در نظام‌های مختلف جایگاه خرده سیستم‌ها با یکدیگر تفاوت دارد؟ تلاش برای پاسخگویی به پرسش‌های فوق به شکل‌گیری دو جریان مختلف نظری در عرصه تبیین خط مشی‌های عمومی انجامیده است. این دو جریان نظری (یا سنت فکری) را می‌توان ذیل دو رهیافت دسته بندی کرد (Grindle and Thomas):

الف - رهیافت‌های حکومت محور^{۱۲}

ب - رهیافت‌های جامعه محور^{۱۳}

در رهیافت حکومت محور، حکومت دارای اهداف و دلبستگی‌های خاصی تلقی شده و به عنوان عاملی مستقل در نظر گرفته می‌شود. در این رهیافت سرآمدان خط مشی گذار، مستقل از نیروها و خواسته‌های بیرون از حکومت تصمیم‌گیری کرده و اهداف خاص حکومت را دنبال می‌کنند. در حالی‌که در رهیافت جامعه محور عرصه سیاست و حکومت، خود به عنوان تابعی از تقاضاهای اجتماعی و نیروهایی که تحقق این تقاضاها را دنبال می‌کنند در نظر گرفته می‌شوند (میر، ۱۳۷۸).

چگونگی پیدایش آنها پرسش‌هایی داریم، می‌خواهیم با ارایه نمایش ساده شده‌ای از واقعیت (الگو) به پرسش‌های خود پاسخ گوئیم.

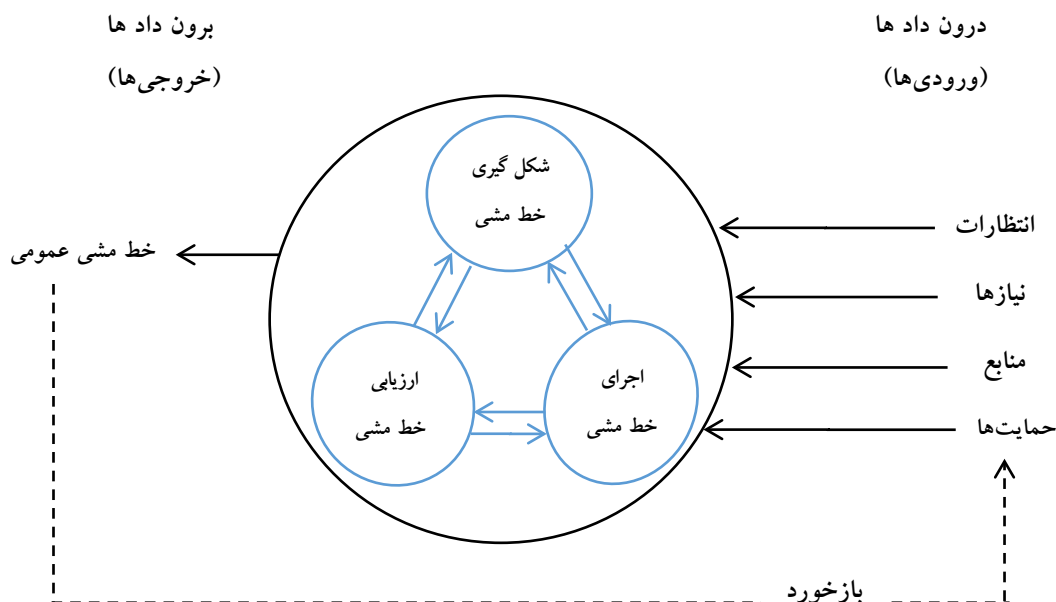


شکل ۱. الگوی زیست بوم

۳- تبیین خط مشی‌های عمومی

شکل‌گیری خط مشی‌های عمومی حاصل تعامل عناصر متنوع و متعددی است. به همین دلیل پیشنهاد می‌شود که خط مشی‌های عمومی و چگونگی شکل‌گیری آنها در قالب یک "سیستم" و با بهره‌گیری از "رهیافت سیستمی" مورد مطالعه قرار گیرند (الوانی و شریف زاده، ۱۳۷۹). در رهیافت سیستمی، خط مشی‌های عمومی به عنوان "بیرون داد"‌های (محصول‌های) یک سیستم در نظر گرفته می‌شوند و سیستمی تحت عنوان سیستم "خط مشی گذاری عمومی" تعریف می‌گردد که در آن مجموعه‌ای از اجزای مرتبط در حال تعامل، "درون داد"‌هایی (منابعی) را از محیط گرفته و طی فرآیندهایی و با اتکاء به ساز و کارهای مشخصی به بیرون داد (خط مشی عمومی) تبدیل می‌کنند (صادقپور، ۱۳۷۵).

برای ترسیم چهره سیستمی از خط مشی گذاری عمومی بایستی: درون دادها، خرده سیستم‌های درون سیستم اصلی و روابط میان این خرده سیستم‌ها را مشخص کرد. دیوید ایستن، درون دادهای این سیستم را تحت عنوان:



شکل ۲. الگوی سیستمی خط مشی گذاری عمومی

در نظر آنها اقتصاد سیاسی تلاشی است برای تعریف کردن حوزه‌ای که از تداخل قدرت سیاسی، نیروهای اجتماعی و ساختارهای اقتصادی پدید می‌آید (احسانی، ۱۳۷۹). از نظر آنها این الگو با لحاظ کردن بیشترین متغیرها برای تبیین به تصویر جامع و همه جانبه‌ای از خط مشی گذاری عمومی دست می‌یابد.

تلاش صاحب‌نظرانی چون آلموند، بینگهام و مونت (آلموند و همکاران، ۱۳۸۱) و اریک اولین رایت (Wright, 1978) را بایستی از مصادیق اصلی این گرایش به حساب آورد. الگوی تبیینی اقتصاد سیاسی برای خط مشی گذاری عمومی، که یک الگوی تلفیقی و ترکیبی است را می‌توان در قالب شکل ۳ نشان داد.

همانطور که مشاهده می‌شود، از سه عنوان کلی تبیین خط مشی گذاری عمومی استفاده شده است. روشن است که برای به‌کارگیری این الگو در توضیح و تبیین خط مشی گذاری عمومی و استخراج فرضیه‌های آزمون پذیر از آن و در نهایت پیش بینی بر اساس این الگو، بایستی عناوین کلی پیشگفته را به دقت تعریف کرد و عناصر متشکله هرکدام را توضیح داد. از اینجاست که نظریه‌های موجود در رشته‌های مختلف علوم اجتماعی به کار می‌آیند. بر اساس نظریه‌های منتخب می‌توان الگوی کلی فوق را

البته هر دو رهیافت، خود در برگیرنده طیف وسیعی از دیدگاه‌ها بوده و می‌توان هرکدام را از جهت تأکید خاصی که در هر دیدگاه وجود دارد به شاخه‌های فرعی تقسیم کرد. به‌طور مثال در رهیافت‌های جامعه محور گاه بر نقش "طبقات اجتماعی" تأکید می‌شود (دیدگاه‌های مارکسیستی، نئومارکسیستی و وابستگی جدید)، گاه بر نقش "گروه‌های ذینفع" تکیه می‌شود (دیدگاه‌های چندگانه گرا، انتخاب عمومی و انتخاب جمعی)، گاه بر "گروه‌های منزلتی" تأکید می‌گردد و گاه بر نقش احزاب و گروه‌های سیاسی (دیدگاه‌های نخبه گرا) (ترنر و هیوم، ۱۳۷۹). در رهیافت‌های حکومت محور نیز چنین تنوعی به چشم می‌خورد. تأکید بر نقش "دیوانسالاران و دیوان سالاری"، تأکید بر نقش "فن سالاران" و گاه تأکید بر نقش "گرایش‌های ایدئولوژیک" در حکومت‌ها به ایجاد این تنوع منجر می‌گردد (ترنر و هیوم، ۱۳۷۹). در سال‌های اخیر گرایش قدرتمندی میان صاحب‌نظران پدید آمده است که به دنبال ارائه رهیافتی جامع و تلفیق گرا در این زمینه است. گریندل و توماس و ترنر و هیوم در این میان جای می‌گیرند.

برخی از صاحب‌نظران این تلاش برای ارائه یک رهیافت تلفیقی و ترکیبی را "رهیافت اقتصاد سیاسی" نامیده‌اند.

چون بنای این مقاله بر اختصار است از توضیح بیشتر پیرامون هر یک از عناصر خودداری کرده و به منابع ذکر شده ارجاع داده می‌شود.

الگویی که تا اینجا ارائه شده، الگویی است برای تبیین همه انواع "خط مشی‌های عمومی". به این معنا که به طور مثال آن را هم می‌توان برای تبیین خط مشی‌های فرهنگی به کار برد و هم برای خط مشی‌های اقتصادی. اما می‌توان با افزودن عوامل توضیح دهنده جدید بر سه عامل از قبل نام برده، کاربرد آن را خاص‌تر کرده و به تبیین دسته بخصوصی از خط مشی‌ها معطوف کرد. پرسش این است که برای تبیین خط مشی‌های عمومی حوزه محیط زیست چه عوامل تازه‌ای بایستی بر عوامل سه گانه پیشگفته افزوده گردند؟

به نظر می‌رسد که علاوه بر سه عامل قبل در تبیین خط مشی‌های محیط زیست در نظر گرفتن "سیستم بومی" و قواعد حاکم بر آن "ضروری است (زاهدی، ۱۳۸۶). سیستم‌های زیست بومی از اندامه‌های^{۱۵} بسیار کوچک تا کل سپهر زیست^{۱۶} را در بر می‌گیرند و در میان آنها رابطه سلسله مراتبی برقرار است و در کلیت از قواعد واحدی پیروی می‌کنند. در زیست بوم قواعدی حاکم است که نمی‌توان بدون توجه به آنها، خط مشی را وضع کرد که مرتبط با زیست بوم باشند. این قواعد مانند "اصل موضوع"^{۱۷} در بررسی زیست بوم هستند (زاهدی، ۱۳۸۶).

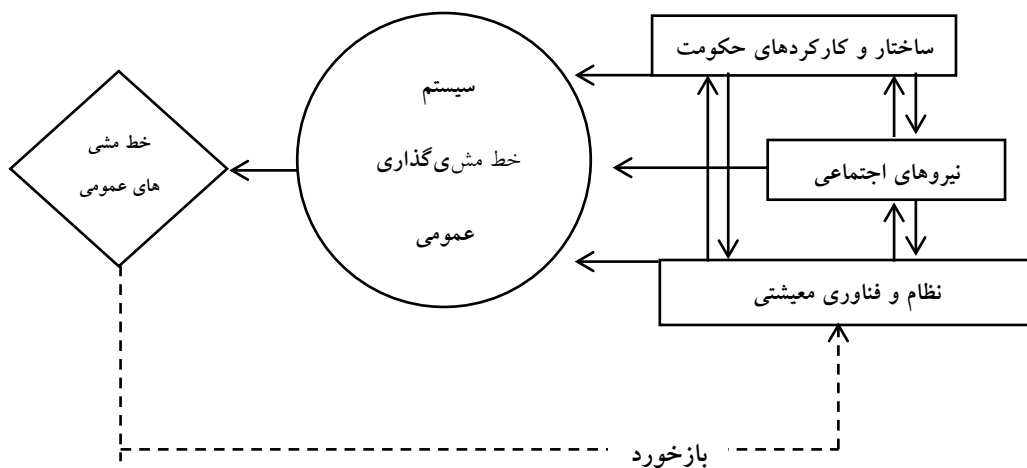
تفصیل داده و متغیرهای موجود در هریک از حوزه‌های سه گانه را تعریف کرد. در ذیل "ساختار و کارکردهای حکومت" نام برده می‌شود.

- ۱- ساختار نظام سیاسی و حقوق اساسی (قاضی، ۱۳۷۵)؛
 - ۲- ماهیت دیوانسالاری حکومتی (صادقپور، ۱۳۷۷)؛
 - ۳- گرایش ایدئولوژیک حکومت (بشیریه، ۱۳۷۴).
- در ذیل همچنین "نیروهای اجتماعی" بر اساس چهارچوب نظری وبر را می‌توان (وبر، ۱۳۷۴) بدین گونه بیان نمود:

- ۱- طبقات اجتماعی (باید آن را از طبقات اقتصادی اقتصادی متمایز گرد)؛
- ۲- گروه‌های منزلتی (گروهی که اعضای آن سبک‌های زندگی مشابه دارند) (تامین، ۱۳۷۳)؛
- ۳- تشکل‌های سیاسی (درب‌گیرنده احزاب سیاسی و گروه‌های ذینفوذ) (قاضی، ۱۳۷۵).

و همین طور در رابطه با "نظام و فناوری معیشتی" نیز می‌توان به موارد زیر اشاره کرد (لاژوی، ۱۳۵۵):

- ۱- هدف‌ها و انگیزه‌ها در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی؛
- ۲- چارچوب‌های حقوقی و اجتماعی ناظر بر روابط افراد با یکدیگر و حکومت و اموال؛
- ۳- دانش‌ها، ابزارها و فنون بکارگرفته شده در تأمین معیشت و فعالیت‌های اقتصادی.



شکل ۳. الگوی تلفیقی و ترکیبی تبیین خط مشی‌گذاری عمومی

این قواعد کلی عبارتند از:

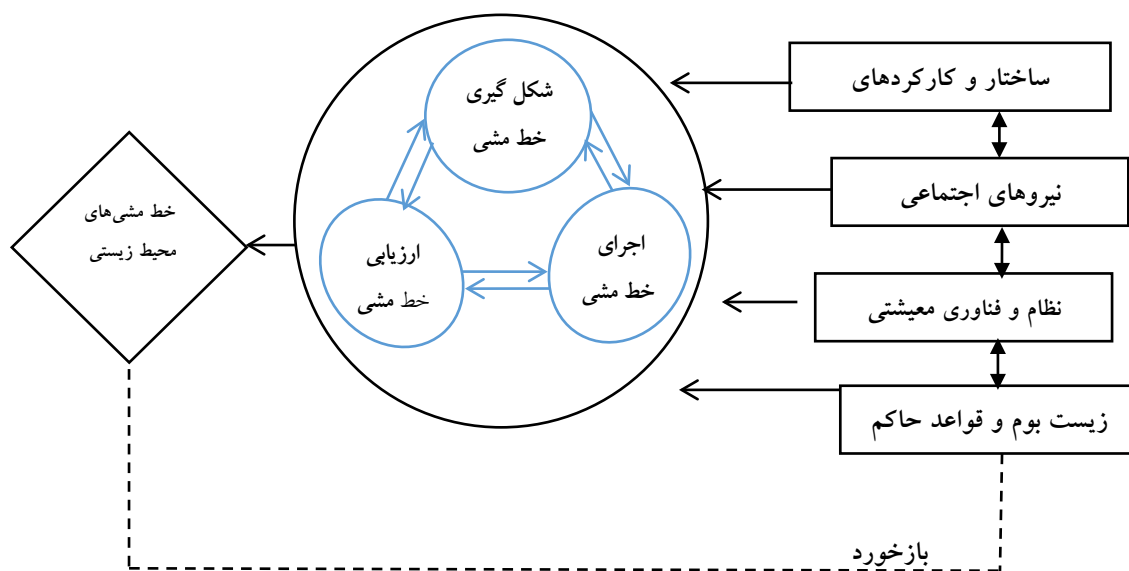
- ۱- قاعده پویایی (زیست بوم در برگیرنده مجموعه‌ای از فرآیندهاست که به‌طور دائم در تغییرند، اما سیستم‌های بزرگتر نسبت به سیستم‌های کوچک‌تر با سرعت کمتری تغییر می‌کنند).
- ۲- قاعده وابستگی (کلیه فرآیندها در زیست بوم به هم مرتب‌اند).
- ۳- قاعده سلسله مراتب (هر سیستم در درون سیستم دیگری جا دارد).
- ۴- قاعده خلاقیت (فرآیندهای طبیعی مبنای کلیه بارآوری‌های زیستی هستند).
- ۵- قاعده تفاوت در شکنندگی (سیستم‌های زیست بومی از نظر میزان آسیب‌پذیری و ظرفیت شکنندگی با هم متفاوت‌اند).

با توضیحات از قبل گفته می‌توان یک گام دیگر به سوی افزایش دقت "الگوی تبیین خط‌مشی‌های زیست محیطی" برداشت. به این ترتیب که بر عوامل توضیح‌دهنده، یک عامل دیگر را نیز افزود، همان‌طور که در شکل ۴ نشان داده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، در این الگو با سه نوع متغیر مواجه هستیم. گروه اول متغیرهای مستقل هستند که

علت احتمالی یا فرضی، شرط مقدم یا پیشین یا شرط لازم قبل از وقوع یک پیامد یا نتیجه بخصوص (متغیر وابسته) را نشان می‌دهند (هومن، ۱۳۷۶). با توجه به آنچه گفته شد می‌توان این متغیرهای مستقل را به این صورت فهرست کرد:

- ۱- ساختار نظام سیاسی و حقوق اساسی؛
- ۲- ماهیت دیوانسالاری حکومتی؛
- ۳- گرایش ایدئولوژیک حکومت؛
- ۴- وضعیت طبقات اجتماعی؛
- ۵- وضعیت گروه‌های منزلتی؛
- ۶- جریان‌ها و تشکل‌های سیاسی؛
- ۷- هدف‌ها و انگیزه‌های تصمیم‌گیری‌های اقتصادی؛
- ۸- چهارچوب نهادی، حقوقی و اجتماعی فعالیت‌های اقتصادی؛
- ۹- دانش‌ها، ابزارها و فناوری معیشتی؛
- ۱۰- زیست بوم و قواعد حاکم بر آن.

گروه دوم متغیرهای تعدیل‌کننده هستند. متغیر تعدیل‌کننده به نوع بخصوصی از متغیر مستقل گفته می‌شود که در واقع متغیر مستقل ثانوی است و بدین منظور انتخاب می‌شود که روشن شود آیا این متغیر، رابطه میان متغیر مستقل (اصلی اولیه) و متغیر وابسته را تحت تأثیر قرار



شکل ۴. الگوی تبیین خط‌مشی‌های زیست محیطی

10. Explanation
11. Model
12. State centered
13. Society centered
14. Ecological
15. Organism
16. Biosphere
17. Axiom

۵- منابع

- لیارد، پی آر. جی و والترز، ا. (۱۳۷۷) "تئوری اقتصاد خرد"، ترجمه عباس شاکری، تهران: نشرنی.

- شفریتر. جی ام (۱۳۸۸) "مبانی مدیریت دولتی"، ترجمه غلامرضا معمارزاده طهران، تهران: انتشارات اندیشه‌های گهربار.

- آشوری، داریوش (۱۳۷۰) "دانشنامه سیاسی"، (چاپ دوم)، تهران: انتشارات مروارید.

- الوانی، سیدمهدی و شریف زاده، فتح (۱۳۷۹) "فرآیند خط مشی گذاری عمومی" (چاپ اول)، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

- نراقی، احمد (۱۳۷۸) "رساله دین شناخت"، (چاپ اول)، تهران: طرح نو.

- طه، حمدی (۱۳۶۶) "آشنایی با تحقیق در عملیات" (چاپ اول)، ترجمه محمدباقر بازرگان، تهران: نشر دانشگاهی.

- زاهدی، شمس السادات (۱۳۸۶) "توسعه پایدار"، (چاپ اول)، تهران: سمت.

- قاضی، ابوالفضل (۱۳۷۵) "بایسته‌های حقوق اساسی" (چاپ دوم)، تهران: دادگستر.

- صادقیور، ابوالفضل (۱۳۷۵) "مباحثی در مهندسی اجتماعی"، (چاپ اول)، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.

- بشیریه، حسین (۱۳۷۴) "جامعه‌شناسی سیاسی"، (چاپ اول)، تهران: نشرنی.

می‌دهد یا خیر؟ (هومن، ۱۳۷۶). متغیرهای تعدیل کننده در این الگو خرده سیستم‌های سیستم کلی خط مشی گذاری عمومی (شکل دهی، اجرا و ارزیابی) هستند.

گروه سوم متغیر وابسته است. مطابق تعریف متغیر وابسته شرایط یا وضعیت‌ها یا پدیده‌هایی است که با وارد کردن، از میان برداشتن، یا تغییر متغیرهای مستقل ظاهر می‌شود، از میان می‌رود، یا تغییر می‌کند (هومن، ۱۳۷۶). متغیر وابسته در این الگو "خط مشی عمومی محیط زیستی" است.

نکته بسیار مهم این است که "متغیر" چیزی است که "تغییر" می‌کند. بنابراین هر یک از عناوین گذشته (متغیر وابسته، تعدیل کننده و مستقل) باید این امکان را داشته باشند که "مقادیر" یا "انواع" مختلفی داشته باشند و گزینه متغیر نخواهند بود. به طور مثال وقتی از متغیر مستقلی به نام "ماهیت دیوانسالاری حکومتی" سخن گفته می‌شود، بایستی در مقابل ما دو یا چند نوع دیوانسالاری قرار داشته باشند و امکان تحقق آنها وجود داشته باشد. در اینجا است که نظریه‌های مختلف به یاری آمده و گزینه‌های ممکن را مشخص می‌کنند. در زمینه همین مثال، فریتز مارکس در مورد انواع دیوانسالاری‌های دسته بندی خاصی را پیشنهاد کرده و آنها را به انواع محافظ، کاستی، خاصه بخشی و شایستگی تقسیم می‌کند (صادقیور، ۱۳۷۷). اگر همین کار برای همه متغیرها انجام شود، یعنی مشخص کردن محدوده تغییر آنها، می‌توان به دهها فرضیه قابل آزمون در مورد یک جامعه خاص دست یافته و یک پژوهش کلان را سامان داد. کاری که تنها در غالب یک طرح پژوهشی ملی به نتیجه خواهد رسید.

۴- پی نوشت‌ها

1. Market Faiure
2. Public administration
3. Public policy making
4. Policy
5. Public policy
6. Policy making
7. Policy formation
8. Policy implementation
9. Policy evaluation

- گوهر، تهران: توتیا.
- وبر، ماکس (۱۳۷۴) "اقتصاد و جامعه" (چاپ اول)، مترجم عباس منوچهری، مهرداد ترابی نژاد و مصطفی عمادزاده، تهران: مولی.
- هومن، حیدرعلی (۱۳۷۶) "شناخت روش علمی در علوم رفتاری" (چاپ سوم)، تهران: نشر پارسا.
- ترنر، مارک و هیوم، دیوید (۱۳۷۹) "حکومتداری، مدیریت و توسعه" (چاپ اول)، مترجم عباس منوریان، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- لیتل، دانیل (۱۳۷۳) "تبیین در علوم اجتماعی" (چاپ اول)، ترجمه عبدالکریم سروش، تهران: صراط.
- Deror, Yehezkel (1968), "Public Policy Making Re-Examined", Son Francisco: Chandler.
- احسانی، کاوه (۱۳۷۹) "باب گفتگو"، فصلنامه فرهنگی و اجتماعی گفتگو"، تهران، تابستان ۱۳۷۹، شماره ۲۸، ص ۷۰۳.
- Nakamura, Robert. T & Smallwood Frank (1980), "The Politics of policy Implementation", New York: St. Martins.
- لاژوژی، ژوزف (۱۳۵۵) "نظام‌های اقتصادی" (چاپ اول)، ترجمه شجاع الدین ضیائیان، تهران: دانشگاه تهران.
- Wright, E. Olin (1978), "Class, Crisis and State", New York: Left Books.
- تامین، ملوین (۱۳۷۳) "جامعه شناسی قشربندی و نابرابری اجتماعی" (چاپ اول)، ترجمه عبدالحسین نیک
- Grindle, M.S & Thomas, J.W (1989), "Policy Makers, Policy Choices and Policy outcomes" : The Political Economy of reform in Developing Countries", Policy Sciences Vol 22 (3-4).